

نگاهی به مصاحبه حسن رحمان پناه با نشریه جهان امروز

حسن رحمان پناه با روزنامه حزب خود مصاحبه ای انجام داده است که بطور کلی بیانگر درک جریانات و احزاب چپ تکنونی از سوسیالیسم می باشد، لذا نگاهی به آن می افکنیم.

او مصاحبه اش را بر این اساس قرار داده است که گرایش سوسیالیستی در کردستان وجودی متمایز و پر تحرک تر از همه مناطق دیگر ایران دارد. در بخش اول گفتگو دلیل این امر را توضیح دهد. وی در این استدلال دو مسأله را پیش می کشد. نخست اینکه محتوای مبارزه گرایش سوسیالیستی با گرایشات فرمیستی متفاوت است و دوم اینکه در کردستان جریانی به نام کومله وجود دارد. بر اساس بخش اول استدلال، محتوای گرایش سوسیالیستی در کردستان با محتوای این گرایش در سایر نقاط ایران و دنیا فرق دارد!! زیرا که فرق این گرایش با فرمیسم در کردستان توانسته است آن را بسیار تحرک بخشد، در حالی که این فرق در سایر نقاط ایران و دنیا نتوانسته است چنین نقشی را ایفاء کند!! بخش دوم استدلال مشخصاً این معنی را می دهد که نفوذ این سوسیالیسم در کردستان به علت موجودیت کومله در آنجا می باشد. شاید خواننده تصور کند که عضو کمیته مرکزی کومله و حزب در طرح این نکته دچار نوعی بی دقتی نوشتاری شده است، اما این گونه نیست. رحمان پناه به طور واقعی از نوع معینی سوسیالیسم صحبت می کند. همان سوسیالیسمی که در طول قرن بیستم در سراسر دنیا، جنبش کارگری جهانی را در جنبشهای ناسیونالیستی، دموکراسی طلبانه، امپریالیسم ستیزی خلقی و امثال اینها منحل کرده است. رحمان پناه خودش مشخصات این سوسیالیسم را توضیح داده است: « افق مشخص در جنبش های مختلف مثلاً جوانان، زنان، کارگران، توده ای و... دارد، به توده های تهیدست تکیه می کند، افق جهانی دارد، در عین موافقت با رفرم انقلابی است. برای مجمع عمومی کارگران ارزش قائل است، ایجاد تشکل کارگری و توده ای را بدون مبارزه قابل تحقق نمی بیند. حوزه فعالیتش نه یک بخش از کارگران بلکه طبقه کارگر است، میان کارگر زن و مرد هم تفاوت قائل نیست» (نقل به مضمون)

سوسیالیسم توصیف شده توسط حسن حتی در همین مصاحبه یعنی در حرف هم تهی از مضمون ضد سرمایه داری و متشکل شدن کارگران علیه بردگی مزدی می باشد، این سوسیالیسم اساساً روند جنبش توده های کارگر علیه سرمایه داری نیست بلکه در بالای سرکارگران به قدرت آنان اتکاء می کند!! خواستار تجزیه جنبش کارگری به مبارزات زنان، جوانان، « ملی»، « توده ای» و مدافع سرسخت جنبه دموکراتیک هر کدام از این جنبش ها است.. سوسیالیسم حسن بر آن است که اول طبقه کارگر را در این جنبش ها تکه تکه کند، هر تکه را با دموکراسی طلبی و انتظارات افشار غیرکارگری پیوند دهد و سپس در گستره این جنبش های دموکراتیک افق سراسری و روشن ارائه نماید. به کارگر بودن زنان و مردان نیز معترض نیست، خواهان حقوق برابر آنهاست!! اشکال اساسی کار حسن باور به این سوسیالیسم نیست، معضل اصلی اینجاست که ایشان این سوسیالیسم را به تمامی کارگران کردستان نیز نسبت می دهند و مشکل باز هم پیچیده تر این است که وی وجود سوسیالیسم با این محتوا را دلیل تحرک بیشتر گرایش سوسیالیستی در کردستان در مقایسه با سایر نقاط ایران می بیند. به بیان دیگر این نوع سوسیالیسم قدرت توده گیر شدن زیادی دارد! شاید به همین دلیل هم هست که حسن در بخش آخر مصاحبه اش در اشاره به فعالین کارگری احضار شده به بیدادگاههای دولت بورژوازی، هر کسی را که متولد کردستان نیست، از لیست کارگران تحت تعقیب رژیم حذف نموده است. این کار با صغری، کیراهای بحث او در باره ویژگیهای گرایش سوسیالیستی، پر تحرکی بیشتر گرایش سوسیالیستی در کردستان، ربط مستقیم این پر تحرکی به تفاوت میان سوسیالیسم و فرمیسم در این منطقه و به ویژه و مهمتر از همه اینکه تمام این خصوصیات ممتاز به یمن وجود کومله می باشد!، کاملاً در انسجام قرار می گیرد. وقتی که گرایش سوسیالیستی در سایر نقاط ایران با معیارهای حسن جور در نمی آید، وقتی که این گرایش در سایر نقاط ایران فعال نمی باشد، اصلاً چه دلیلی دارد که جنبش کارگری این نقاط دیگر، فعال گرایش سوسیالیستی داشته باشد و وقتی که چنین است پس چرا نام آنان و این جا مشخصاً نام محسن حکیمی از لیست عناصر تحت پیگرد رژیم اسلامی حذف نشود؟؟. رحمان پناه در همین مصاحبه کوتاه در توصیف و معرفی سوسیالیسم و جنبش سوسیالیستی مورد نظر خویش کاملاً سنگ تمام می گذارد. سوسیالیسم حزب ایشان در آنجا که به جنبش کارگری مربوط می شود، غیر از مطالبه حق و حقوق صنفی، آزادیهای سیاسی، کسب حق ایجاد تشکیلات از بورژوازی و نظائر اینها، آن هم در چهارچوب کار قانونی و علنی، هیچ نکته دیگری به چشم نمی خورد. شاید که بقیه کارها بر دوش غیر کارگران باشد! او می گوید:

"مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی امری روزانه و تعطیل ناپذیر است. در فضای دیکتاتوری و خفقان که امکان فعالیت احزاب سیاسی و تشکل و نهادهای آزاد کارگری و مردمی وجود ندارد، نشریات و مطبوعات و رسانه ها زیر سانسور قرار دارند و متشکل شدن آزادانه مردم و ابراز نظر علنی خارج از سانسور با سد و موانع حکومتی روبرو است، جنبش های اعتراضی و اجتماعی هرچند کار و فعالیتشان بسیار دشوار و بعضاً غیر ممکن می گردد اما به یمن زنده بودن روند مبارزه طبقاتی که شالوده حرکت جامعه بر آن بنا شده است، نمی توانند مدتی طولانی در سکون باشند، بلکه دوباره به میدان می آیند و رودرویی، گاه نهان و گاه آشکار با نظام حاکم و دولت حامی آن در شکل خفا و علنی جریان می یابد. کار علنی و قانونی شکل مهمی از مبارزه و خود سازماندهی

آگاهانه طبقه کارگر و سنگری است که این طبقه برای دفاع از خود در مقابل تهاجم بی وقفه سرمایه داران به سطح معیشت و گذران روزانه اش برپا می کنند و دولت حامی آن را ناچار می کند که با قواعد آن تن در دهد. با سرکوب و خفقان می توان جلو فعالیت یک حزب سیاسی را گرفت، اما نمی توان کارگر را از مبارزه برای خواست های روزانه اش باز داشت و پیگری این خواست ها است که در چهار چوب علنی و قانونی می تواند جریان یابد"

عضو کمیته مرکزی «حکا» از تحرک بیشتر گرایش سوسیالیستی در کردستان در مقایسه با سایر جاها آغاز کرده بود و نکات فوق طبیعتاً بیان خصوصیتی است که این جنبش سوسیالیستی پرتحرک را از سوسیالیسم نقاط دیگر متمایز می کند. این نکات در همان حال پای بندی عمیق رحمان پناه به سوسیالیسم و انترناسیونالیسم را مورد تأکید قرار می دهد، او واقعاً به مبارزه برای تغییر در قانون کار جمهوری اسلامی و اصلاح ساختار حکومتی ایمان دارد (مدرک بسیار موثق سوسیالیست بودن ایشان!) و سپس اینکه تحقق این هدف بزرگ سوسیالیستی را! بدون اتحاد سراسری کارگران کردستان با کارگران کل ایران غیر ممکن تلقی می نماید. (گواه بارز انترناسیونالیست بودن ایشان!) البته او سواى جنبش کارگری و سوسیالیستی جنبش دیگری را هم در کردستان و ایران در نظر دارد و برای ایفای نقش مؤثر در رهبری آن تلاش می کند. نام این یکی، جنبش انقلابی است. این جنبش از کارگران تشکیل نمی شود و به دنیای مبارزه اقتصادی و معیشتی و مانند اینها سقوط نمی کند، از آرایشهای سوسیالیستی هم منزله است، به خلق کبیر و قهرمان و مرزبان مام میهن اتکاء دارد و بسیار انقلابی هست. او می نویسد:

" ما بارها گفته ایم که جنبش انقلابی کردستان به تنهایی قادر به سرنگونی رژیم اسلامی نیست. واقعیت این است که جنبش کارگری کردستان هم به تنهایی قادر به تغییر در قانون کار ایران نیست، همانگونه که جنبش زنان در آذربایجان یا تهران هم به تنهایی قادر به لغو آپارتاید جنسی علیه زنان نیست. تغییر در ساختار حکومتی و قوانین بنیادی و نهایتاً ساقط کردن حاکمیت اسلامی امری فرامحلی و سرناسری است"

حسن رحمان پناه تا آنجا که روایت سوسیالیسم خود را طرح می کند انسانی با صداقت است. سوسیالیسم او و حزب او واقعاً همین است، اما رحمان پناه محق نیست روایت خویش را به گرایش سوسیالیستی درون جنبش کارگری کردستان تعمیم دهد. انجام این کار در کنار اقدام بعدی حسن رحمان پناه که اولاً بر تحرک ویژه گرایش سوسیالیستی در کردستان در قیاس با جاهای دیگر تأکید دارد و ثانیاً این تحرک افزونتر را مدیون "نفوذ اجتماعی و گسترده کومله و بیش از سه دهه و نیم کار سازمان گرانه و آگاهی بخش آن و..." می پندارد، یک وارونه پردازی را در همه اذهان القاء می کند. اینکه اساساً هر چه در طبقه کارگر و جنبش کارگری کردستان جریان دارد به تمام و کمال کومله ای است!! سوسیالیسم آنها سوسیالیسم حسن رحمان پناه است. این حزب رحمان پناه است که قطب تحولات اجتماعی منطقه است و جنب و جوش جاری درون طبقه کارگر هم جنب و جوش کومله است. این مطلقاً تهمتی به ایشان نیست. او به صراحت نه یکبار بلکه چند بار در همین نوشته بسیار کوتاه تصریح کرده است که:

" این شکل از مبارزه بمعنای شرکت تشکیلات ما در مبارزات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در دل کشمکش های جاری و روزانه در جامعه است، بدون اینکه فعالین این عرصه از مبارزه هیچگونه رابطه تشکیلاتی با کومه له داشته باشند و اگر رابط ای هم وجود دارد رابطه سیاسی و معنویست. مبارزه علنی و قانونی توسط کسانی هدایت و پیش برده میشود که در این عرصه مهارت کسب کرده و از چند و چون و پیچ و خم های این عرصه آگاه و صاحب تجربه هستند. این افراد چهره های سرشناس و خوشنام و قابل اعتماد در میان مردم می باشند. آنها عضو تشکیلات کومه له در کردستان نیستند، اما بسیاری از آنان در براتیک خود را همسو با کومه له می دانند"

ترجمه «حزبی» این پاراگراف روشن است، رحمان پناه و حزبش به خود اجازه می دهند که تمامی تحرکات جاری درون جنبش کارگری کردستان را به یمن وجود تشکیلات خویش اعلام کنند و به هواداران خود قول دهند که چنین است اما برخی ملاحظات حزبی حکم می کند که این ادعا را عجلتاً به شیوه دوافکتو اعلام کنند، این کار آنان را از بسیاری مخصصه ها رها خواهد ساخت، مثلاً اینکه ایشان ادعا خواهند کرد که هیچ مشکل امنیتی برای کسی بویژه در منطقه ایجاد نکرده اند! در همان حال که حزب خود را هم به عنوان قطب همه تحولات و تغییرات در آنجا به همه شناسانده است، و هر گاه فعالین کارگری کردستان در مقابل وی بایستند و او را به خاطر طرح این ادعای نادرست مورد انتقاد قرار دهند باز هم پاسخ قانع کننده را از کیف حزب خود بیرون خواهد کشید که نه، آب بندی لازم را انجام داده است. بقول معروف در این رابطه با یک تیر دو نشان زده است، بطوریکه هیچ اتهامی هم به دامن کبریای ایشان و حزب نخواهد چسبید!!

رحمان پناه ادامه می دهد که: "در این میان مهم این است که فعال عرصه فعالیت علنی و قانونی چگونه اقدامات دشمنی را خنثی و توده های معترض را متحد و راه پیروزی را نشان می دهد. وظیفه ما هم بعنوان کومه له و

حزب کمونیست ایران کمک به هموار کردن این مسیر برای فعالین این عرصه بدون چشم داشت تشکیلاتی و حزبی است. در بطن جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و جنبش توده ای جریان رادیکال و انقلابی از جمله کومه له تقویت و گسترش خواهد یافت و اولویت برای ما تقویت و کمک به اتخاذ استراتژی روشن و سبک کار درست و هشیارانه است. با توجه به نفوذ اجتماعی کومه له در کردستان این امر ممکن و امکان پیشروی در این عرصه وسیعاً وجود دارد"

این عبارت حاوی چند حکم است. اول اینکه کومه له و حزب کمونیست طرفدار بسیار جدی مبارزه قانونی هستند. برای یافتن ترجمان واقعی این حرف باید به کل فرهنگ و ساختار وجودی حزب رحمان پناه رجوع کرد. کومه له تا کنون خود را بعنوان یک جریان متکی به مبارزه قانونی معرفی ننموده است، از این روی اصرار مؤکد عضو کمیته مرکزی آن بر اهمیت این شکل مبارزه معنایش می تواند این باشد که حزب و کومه له به سنت مبارزه ضد رژیم پناهی پای بند هستند اما کارگران که جز مبارزه برای مسائل اولیه معیشتی لیاقت دیگری ندارند، بروند و مبارزه قانونی کنند، دوم اینکه درست است که کارگران لیاقت بیش از این ندارند اما به هر حال وجود جنبش آنها برای سرنگونی مورد نیاز حزب است، پس آنان در عین حال مبارزه برای تغییر دولت را از یاد نبرند، سوم اینکه در هر حال این حزب آقای رحمان پناه است که باید نقطه آغاز و پایان تمامی وقایع باشد. کارگران برای به قدرت رساندن حزب یا به قول خود رحمان پناه ایجاد شرائطی که جای پائی در قدرت پیدا شود، هم مبارزه قانونی کنند و هم در موقع لازم پشت سر حزب، سرنگون طلب شوند و هم اینکه در این میان یادشان باشد خودشان به عنوان کارگران در فکر مبارزه ضد سرمایه داری و برای محور سرمایه داری نباشند.

رحمان پناه در مورد رابطه میان حزب خود و کارگران کردستان، به توصیف جالب دیگری هم می پردازد. او ظاهراً اعتراف می کند که پدیده ای به نام « حزب کمونیست ایران» هیچ چشمداشت تشکیلاتی و حزبی از طبقه کارگر ندارد، اگر ایشان به این گفته خود پای بند باشد معنایش این است که اصلاً قصد متشکل نمودن توده های کارگر را ندارد، بلکه به عنوان یک جریان فرا طبقه ای می خواهد در جنبش های اجتماعی مانند جوانان، زنان، جنبش توده ای!! و بالاخره کارگری، خط رادیکال را تقویت کند و از آنجا که کومه له دارای نفوذ اجتماعی مهمی در کردستان است از عهده این کار هم بر می آید!! کافی است این عبارت آخر رحمان پناه در کنار گفته های قبلی او قرار گیرد تا معنای سوسیالیسم حزب ایشان و گرایش سوسیالیستی که وی نمایندگی می کند بسیار روشن تر شود. منتهی یک اشکال مهم کار این است که رحمان پناه در اوایل همین مصاحبه کوتاه با تلاش زیاد کوشیده است ثابت نماید که اصلاً کل جنب و جوش درون طبقه کارگر در کردستان ناشی از وجود پر برکت حزب اوست!!

آخرین بخش مصاحبه حسن به ادامه محاکمه فعالین کارگری در بیدادگاه سقر مربوط است. در این قسمت او تحلیل بسیار عمیق و استثنائی از رژیم جمهوری اسلامی به دست می دهد!! این رژیم اصلاً خواهان ادامه محاکمه فعالین کارگری نیست، بلکه دچار بدبختی وحشتناکی شده است و محاکمه این فعالین روی دستش مانده است!! به گونه ای که نمی تواند خود را از شر این بلاهی مهلک نجات دهد!! دلیل این امر هم از دید آقای رحمان پناه بسیار روشن است، در این رژیم باندهای فراقانونی وجود دارد!! یعنی باندهائی که قوانین دولت اسلامی را رعایت نمی کنند!! شاید فهم نگارش بسیار سطح بالا و ادیبانه حسن برای برخی ها مشکل باشد، در نتیجه من سعی می کنم آن را ساده کنم، او می گوید اگر قانون رژیم اسلامی سرمایه اجرا می شد، این محاکمه روی دست رژیم نمی ماند و خیلی زود فعالین تحت تعقیب آزاد می شدند ولی وجود باندهای فراقانونی این کار را برای این رژیم بدبخت دشوار ساخته است!! حسن رحمان پناه دلیل دیگری را نیز در این رابطه مورد تأکید قرار می دهد، فشار دولتهای سرمایه داری بر دولت اسلامی، این رژیم را به وضعیت اسفباری انداخته است که آشفته وار دست به این محاکمات می زند!! به راستی که چه خوب می شد اگر جمهوری اسلامی از باندهای فراقانونی تصفیه می گردید و چه خوبتر می شد اگر دولت های دیگر دنیا این قدر به این رژیم فشار می آوردند که واقعاً زیر همین فشارها سرنگون می شد!! از نوع آنچه امریکا در عراق انجام داد!! اما با همه اینها بیانات حسن برای همه گیج کننده است. باید چشم انتظار تصفیه باندهای فراقانونی بود؟ باید توسل به دولتهای خارجی کرد تا رژیم را سرنگون کنند؟ یا باید نگران بود که فشار دولتهای خارجی این رژیم را آنچنان آشفته و سراسیمه سازد که همه را به محاکمه بکشاند و نابود کند؟ کدامیک؟؟ ظاهراً باید به هر دو راه حل مهم یاد شده دل بست زیرا رحمان پناه اصرار مکرر و مؤکد بر اهمیت مبارزه قانونی طبقه کارگر دارد. فشار دولتها نیز اگر مثلاً بیست میلیون عراقی را نابود ساخته است اما برای جلال طالبانی ها بد نبوده است. در اینجا اما یک نکته مهم برای کارگران کردستان مکتوم می ماند، به راستی صاحب این تحلیل آقای حسن رحمان پناه عضو کمیته مرکزی « کومه له» و « حزب کمونیست ایران» یا آقای اکبر گنجی بنیانگذار جنبش دوم خرداد یا بالاخره آقای مصطفی هجری لیدر حزب دموکرات کردستان است؟! کدام یک؟؟؟

کارگران کردستان سوای سوال فوق حرفهای دیگری هم با آقای رحمان پناه دارند. اینکه او، حزبشان، حزب منشعب از حزب سابقشان، حزب منشعب از حزب ماقبل سابقشان و سایر نوه ها، نیبره ها و نتیجه های حزب اسبق وی باید از تقلا

برای منحل نمودن جنبش کارگری کردستان در سکت بازی، سندیکا سازی، جنبش ملی، جنبش انقلابی خلق، رژیم ستیزی فراطبقاتی و ناسیونالیستی، دموکراسی خواهی و سکولاریسم طلبی کاپیتالیستی و دل بستن به مجادلات درون بورژوازی بین المللی، دست بردارند زیرا کارگران کردستان از اینکه سالهای مدید به پیشمرگ جنبش ناسیونالیستی و خلقی و حق تعیین سرنوشت ملی تبدیل شده اند، عاصی هستند و خواستار تداوم آن نمی باشند. آنان عزم جزم کرده اند تا دست در دست همه کارگران ایران و جهان برای نابودی سرمایه داری و علیه کلیه اشکال تسلط سرمایه بر زندگی اجتماعی خویش پیکار نمایند. درجه بندی افت و اعتلای جنبش طبقاتی آنان در سنندج، تبریز، سقز، مشهد، تهران، کرمان، اهواز، رشت، بوشهر، اصفهان، مریوان و... هم مطلقاً حرف و معضل آنها نیست. این کار به درد آقای رحمان پناه می خورد که در آرزوی وصله و پینه کردن هر جنب و جوش طبقاتی کارگران به حزب خود و در تلاش یافتن دستمایه سیاسی در کار رقابت با احزاب برادر تنی و نانتی خویش است. جنبش کارگری کردستان بخش لایتنجرائی از جنبش کارگری جهانی است، سوسیالیسم واقعی و راستین کارگران از نوع و جنس سوسیالیسم رحمان پناه نمی باشد. این سوسیالیسم در جنبش ضد سرمایه داری توده های طبقه کارگر تبلور و تجلی می یابد. تشکل این سوسیالیسم بر خلاف پندارهای حسن مطلقاً ماوراء جنبش جاری کارگران و در تدارک سوار شدن بر موج مبارزات توده های کارگر و تسخیر قدرت زیر نام دروغین سوسیالیسم و کارگر نمی باشد.

جمشید کارگر

2006/ 11/ 20